

Vol. 1, Series. 2,
No. 2 Autumn & Winter
43-62

The Role of Religion and Spirituality in Divorce and Its Causes: Narrative Review

Doi: [10.22034/pt.2025.488396.1041](https://doi.org/10.22034/pt.2025.488396.1041)



سال اول / شماره ۲
پاییز و زمستان ۱۴۰۳

■ Naser Aghababaei

Assistant Professor, Department of Psychology, University of Quran and Hadith, Tehran, Iran

Email: naseragha@gmail.com

ORCID ID: 0000-0001-9354-3837

Abstract

Marital dissatisfaction, marital conflict, and emotional divorce are the causes of divorce which in turn could have negative personal and social consequences for the couple, their children, and other members of the family. Commitment to religion and spirituality is among the protective factors against instability of marriage and preventive factors of divorce. In this paper, using a narrative review method, research on the relations of stability of marriage with religiosity and spirituality has been reviewed and classified.

This review showed that religious commitment and reflection (including religious similarity, attachment to God and close relations with Him, intrinsic religiosity, and spirituality) are often positively (weakly to moderately) associated with stability of marriage, and educational and therapeutic programs based on religiosity and spirituality could be used to decrease the antecedents of divorce, hence reducing the rate of divorce. This paper, noting the role of various dimensions of religiosity and spirituality (including attitudinal, experiential, behavioral, and beliefs) in preventing from divorce, does not disparage other variables.

Keywords: divorce; stability of marriage, faith; religion; religiosity; spirituality



سال اول / شماره ۲
پاییز و زمستان ۱۴۰۳

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

دوفصلنامه الهیات عملی

سال ۱ / شماره ۲ / شماره پیاپی ۲

پاییز و زمستان ۱۴۰۳

۴۳ - ۶۲

نقش دین و معنویت در پیشگیری از طلاق و عامل‌های زمینه‌ساز آن: مروری روایی

Doi: 10.22034/PT.2024.421351.1020

■ ناصر آقابابائی

استادیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه قرآن و حدیث، تهران، ایران.

رایانامه: naseragha@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳-۰۸-۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳-۰۹-۲۶

چکیده

نارضایتی زناشویی، تعارض زناشویی، و طلاق عاطفی زمینه‌ساز طلاق‌اند که به‌نوبه خود می‌تواند پیامدهای فردی و اجتماعی منفی برای زوج، فرزندان، و سایر اعضای خانواده ایجاد کند. التزام به دین و معنویت از عامل‌های حفاظت‌کننده در برابر ناپایداری ازدواج و پیشگیری‌کننده طلاق‌اند. در این مقاله با روش مرور روایی پژوهش‌هایی مرور و دسته‌بندی شده‌اند که رابطه پایداری ازدواج با دینداری و معنویت را بررسی کرده‌اند. در این مرور، نشان داده شد تعهد و تأمل دینی (شامل تشابه دینی، دلبستگی و ارتباط مثبت با خدا، دینداری درونی، و معنویت) غالباً با پایداری ازدواج رابطه مثبت (ضعیف تا متوسط) دارند و می‌شود از برنامه‌های آموزشی و درمانی مبتنی بر دینداری و معنویت برای کاهش پیشایندهای طلاق



سال اول / شماره ۲
پاییز و زمستان ۱۴۰۳

و در نتیجه کاهش طلاق استفاده کرد. این مقاله، ضمن توجه دادن به نقش ابعاد مختلف دینداری و معنویت (شامل نگرشی، تجربه‌ای، رفتاری، و اعتقادی) در پیشگیری از طلاق، نقش سایر متغیرها را نادیده نگرفته است.

کلیدواژه‌ها: طلاق، پایداری ازدواج، ایمان، دین، دینداری، معنویت.



مقدمه

خانواده تأثیر اساسی بر زندگی فرد و جامعه دارد. از این رو، همهٔ ادیان الهی به آن توجه کرده‌اند. در بسیاری از جوامع بشری، مراسم ازدواج در عبادتگاه‌ها برگزار می‌شود؛ مثلاً مسیحیان ازدواج را امری دنیوی نمی‌دانند، زیرا ازدواج نشانهٔ محبت خدا به بشر است. ازدواج محبوب‌ترین و گرمی‌ترین نهاد بشری نزد خدا اعلام شده است. دانشمندان مسلمان از صدر اسلام تا کنون به مسائل خانواده توجه داشته و بر وظایف و حقوق اعضای خانواده تأکید کرده‌اند. مثلاً ابن‌سینا هدف‌های تشکیل خانواده را انگیزه‌های اقتصادی، اجتماعی، محبت، آرامش، و رفع نیازهای جنسی دانسته است. او طلاق را به صورت استثنایی و با شرایط دشوار به پیروی از شرع می‌پذیرد. به باور او، باید تا جایی که ممکن است برای صلح و سازش میان همسران کوشید و فقط هنگامی به جدایی تن داد که امیدی به سازش نباشد. فیض کاشانی به نقل از اولیای دین علیهم‌السلام می‌گوید کسی که از خانوادهٔ خود فرار کند مانند بندهٔ فراری است که نماز و روزه‌اش پذیرفته نمی‌شود تا زمانی که به کانون خانواده بازگردد. همچنین، کسی که در انجام وظایف خانوادگی کوتاهی کند، مانند بندهٔ فراری است، هرچند در جمع اعضای خانواده حاضر باشد. فیض کاشانی یکی از وظایف والدین در قبال فرزندانشان را آموزش نحوهٔ برخورد با همسر و زندگی خانوادگی دانسته است (سالاری فر، ۱۳۸۵، ص. ۵). سستی بنیان خانواده و کاهش مهر و دوستی میان افراد از ویژگی‌های جوامع امروزی است. از آن رو که خانواده سنگ بنای جامعه است، طلاق از یک رفتاری شخصی به مسئلهٔ عمومی تبدیل می‌شود که میزان زیاد آن نیازمند توجه جدی است. در چند دههٔ گذشته، پژوهش‌های بسیاری دربارهٔ کیفیت ازدواج و، به طور ویژه، دربارهٔ ارتباط معنویت و دینداری با پایداری یا ناپایداری ازدواج در سراسر جهان انجام شده‌اند. درک نحوهٔ تحول، موفقیت، و فروپاشی ازدواج برای خانواده‌های سراسر جهان مهم است و دیدگاه‌های عمدهٔ مبتنی بر داده‌ها و پژوهش‌های صرفاً غربی احتمالاً استفادهٔ محدودی در سایر بافت‌ها دارند. در این مقاله، پژوهش‌های نظری



سال اول / شماره ۲
پاییز و زمستان ۱۴۰۳

و تجربی درباره طلاق در زمینه پیشایندهای معنوی/ دینی طلاق و راه‌های معنوی/ دینی پیشگیری از آن به‌صورت روایی مرور خواهند شد (آقابائی، ۱۴۰۲، ص. ۱۵). در گذشته، عامل‌های فرهنگی از سوی روان‌شناسان تا اندازه‌ای نادیده انگاشته می‌شدند. اکنون با آگاهی بیشتر از روان‌شناسی فرهنگی این عامل‌ها در درک ما از زندگی خانواده نقش محوری دارند. با وجود پژوهش‌های انجام‌شده درباره طلاق و آسیب‌شناسی خانواده در ایران، به‌علت افزایش طلاق در دهه‌های اخیر، ابعاد مختلف این پدیده موضوع پژوهش‌های رشته‌های مختلف در ایران شده و طلاق یکی از اولویت‌های پژوهشی روان‌شناختی است (فاضلی و همکاران، ۱۳۹۳، ص. ۱۵۶). پژوهشگران علاقه‌مند به پایداری و ناپایداری ازدواج از مفاهیم گوناگونی (مانند رضایت زناشویی، سازگاری زناشویی، تعارض زناشویی، طلاق، طلاق عاطفی، و ناپایداری ازدواج) استفاده کرده‌اند. رضایت زناشویی، که از شاخص‌های مهم تعیین عملکرد خانواده دانسته شده است، عبارت است از: احساس خشنودی، رضایت و انطباق بین همسران و لذت‌بردن زن و شوهر از روابطشان (عزیزی و همکاران، ۱۳۹۵، ص. ۲۲-۳۳). تعارض زناشویی، که از مشکلات رایج در خانواده‌ها است، وقتی ایجاد می‌شود که رفتار زن/ شوهر با توقعات همسرش جور نیاید (بهاری و همکاران، ۱۳۹۰، ص. ۵۹-۷۰). طلاق عاطفی هم مقدمه طلاق و بیانگر رابطه زناشویی روبه‌زوالی است که زن و شوهر، اگرچه ممکن است با هم ادامه دهند، با این حال جاذبه و اعتمادی به یکدیگر ندارند و همسران به جای حمایت از هم در جهت آزار، ناکامی و تنزل حرمت خود و یکدیگر عمل می‌کنند (سودانی و همکاران، ۱۳۹۵، ص. ۸۳-۹۲).

در این مقاله، پژوهش‌های مرتبط ذیل چند عنوان دسته‌بندی می‌شوند که در ادامه خواهند آمد. در مرور پژوهش‌های مربوط به رابطه دینداری و معنویت با پیشگیری از طلاق ابتدا به سراغ موضوع رضایت زناشویی می‌رویم. رضایت زناشویی بالاتر با ناپایداری و فروپاشی رابطه زناشویی همبستگی منفی و با سلامت روانی همبستگی مثبت دارد.

روش تحقیق

مقاله پیش‌رو، مروری روایی است از آثار منتشرشده درباره ارتباط دینداری و معنویت با پایداری/ ناپایداری ازدواج. مرور روایی عبارت است از ترکیب پیشینه پژوهش در یک حوزه خاص با استفاده از یک دیدگاه بافتی یا نظری مشخص. در این روش، رویکردهای روش‌شناختی (همچون راهبرد جست‌وجو و ملاک‌های ورود) گزارش نمی‌شوند (Akhter et al., 2019, pp. 331-342). نویسندگان در این پژوهش نیز پژوهش‌های بررسی‌کننده ارتباط دینداری و معنویت با پایداری/ ناپایداری ازدواج را مرور و دسته‌بندی کرده است.



یافته‌های تحقیق

رضایت زناشویی

همان‌گونه که یکی از زمینه‌های طلاق نارضایتی زناشویی است، رضایت زناشویی با ادامه زندگی پیوند دارد. رضایت زناشویی مفهومی بسته به فرهنگ است و برای درک آن باید به بافت اجتماعی و فرهنگی جامعه توجه کرد. فتحی و همکاران (۱۳۹۵) نشان دادند انتخاب همسری متناسب از لحاظ ویژگی‌های فردی و فرهنگی مهم‌ترین شرط رسیدن به رضایت در ازدواج است. این انتخاب مستلزم شناخت بسنده از همدیگر و خانواده‌ها پیش از ازدواج است. این شناخت موجب می‌شود مسیر زندگی زناشویی از ابتدا تعارض‌های کمتری داشته باشد. نتیجه انتخاب درست و انجام رفتارهایی در جهت حفظ و ارزنده‌سازی رابطه رضایت از زندگی خواهد بود. پژوهش روی مادران دانش‌آموزان دبیرستانی شهر اهواز که دست‌کم ۲۵ سال از زندگی مشترکشان می‌گذشت نشان داد یکی از عامل‌های مؤثر در ازدواج پایدار و رضایتمند داشتن ارزش‌ها، فرهنگ، و تجربه‌های معنوی مشترک است (کرایبی و همکاران، ۱۳۹۵، ص. ۱۲۹-۱۶۴). مصاحبه از ۱۰ زوج دارای ازدواج پایدار و رضایتمند، با طول مدت ازدواج دست‌کم ۲۰ سال، نشان داد شکل‌گیری درست ازدواج از شرایط علی ازدواج پایدار و رضایتمند است. این همسران نگرش‌های کارآمدی داشتند، مانند تکیه به خدا، داشتن رابطه خوب با خدا، انجام مناسک دینی، و همسوبودن دینی و باوری با همسر. هنگام سختی و فقدان شرایط ازدواج پایدار این همسران از راهبردهای دینی استفاده می‌کردند (حاتمی‌ورزنه و همکاران، ۱۳۹۵، ص. ۱۲۰-۱۴۹).

در پژوهش روی ۱۰ زوج موفق و ۲۰ زوج طلاق‌گرفته ساکن شهر تبریز، تشابه دینی یکی از عامل‌های ازدواج موفق به دست آمد (کریمی ثانی و همکاران، ۱۳۹۲، ص. ۷۵-۹۳). فلاحی‌سرشت و همکاران (۱۴۰۰)، در والدین دانش‌آموزان معلول شهرستان تبریز، دینداری را با رضایت زناشویی همبسته یافتند. طلوع تکمیلی ترابی و همکاران (۱۳۹۹)، رابطه رضایت زناشویی را با دینداری درونی در گروهی از معلمان آموزش و پرورش شهر تهران مثبت یافتند. آنان دینداری درونی را میانجی روابط عامل‌های شخصیتی با رضایت زناشویی پیشنهاد دادند. در دانشجویان خوابگاهی دانشگاه شیراز و دانشگاه علوم پزشکی شیراز رضایت زناشویی با آسایش معنوی رابطه مثبت داشت؛ سرسختی روان‌شناختی نقش واسطه‌ای در رابطه آسایش معنوی با رضایت زناشویی داشت (سیفی و تقوی، ۱۳۹۸، ص. ۳۱-۴۱).

مریدی و همکاران (۱۳۹۹) واقعیت‌درمانی ایرانی اسلامی را در افزایش رضایت زناشویی، رضایت از زندگی، و مهارت‌های ارتباطی زوج‌های شهر شیراز کارآمد یافتند. در این مداخله، شرکت‌کنندگان با دستورات دینی آشنا می‌شدند، تفاوت‌های زن و مرد را از دیدگاه



اسلامی می‌شناختند، نقش‌ها و مسئولیت‌های همسران را از دیدگاه اسلام درمی‌یافتند، و آموزش‌هایی برای افزایش رضایت زوج از طریق معنویت می‌دیدند. رضاپور میر صالح و همکاران (۱۳۹۲) نشان دادند آموزه‌های ارزش‌شناسی اسلامی بر افزایش رضایت زناشویی تأثیر دارند.

آموزش تحلیل ارتباط محاوره‌ای مذهب‌محور بر میزان عشق، علاقه، احترام به همسر، و رضایت زناشویی زوج‌های واجد مشکلات خانوادگی و تعارض‌های زناشویی و مراجعه‌کننده به مرکز مشاوره کارآمد بوده است. هدف اصلی آموزش یادشده آگاهی از حالت‌های نفسانی و ایجاد ارتباط سالم و سازنده با خدا، خود، و جامعه است. در این روش به بیمار کمک می‌شود تا باورهای معنوی و دینی خود را تقویت کند و بر نظم جهان هستی، قدرت مطلق پروردگار، و رحمت الهی تمرکز کند. تقویت خود الهی‌گونه، تجربه دینی، و نیایش موجب ایجاد احساس ارتباط اجتماعی فرد با خدا می‌شوند. این ارتباط از جهاتی شبیه به ارتباط با انسان‌ها است که موجب خشنودی فرد در زندگی با مردم و زندگی زناشویی می‌شود. آموزش یادشده با افزایش توانمندی‌های زوج‌ها در مهارت‌های ارتباطی و ایجاد نیت و انگیزه‌های مثبت به همدیگر، بهبود مهارت‌های مسئله‌گشایی و هیجانی، اصلاح عملکردهای شناختی و افزایش خودافشاسازی و صمیمیت، افزایش تفرد و تحقق خویشتن، و کمک برای رسیدن به استقلال و خودرهبری به بهبود کیفیت ازدواج و ارتقای رضایت زناشویی زوج‌ها خواهد انجامید (حمید و دهقانی، ۱۳۹۱، ص. ۲۳-۴۰).

سازگاری زناشویی

سازگاری برای اشاره به فرایندهایی به کار می‌رود که برای دستیابی به رابطه زناشویی هماهنگ لازم‌اند. در رابطه سازگار شده مشارکت‌کنندگان به ندرت با هم اختلاف نظر دارند، آنان در رابطه با هم خوشبین‌اند، به خوبی با هم ارتباط برقرار می‌کنند، و اختلاف‌شان را رضایت‌بخش و دوجانبه حل و فصل می‌کنند. زوج‌های توانمند در برقراری ارتباط در هنگام بروز سوء تفاهم و احساسات منفی قادر به تصدیق هم، گوش دادن به هم، و پاسخ غیرتدافعی به نیازهای هم‌اند. این همان انعطاف‌پذیری در درک و تفاهم است. سازگاری زناشویی مستلزم رضایت دونفری، توافق دونفری، همبستگی دونفری، و ابراز محبت است (نعمتی سوگلی تپه و همکاران، ۱۳۹۶، ص. ۱۱). پژوهش روی دانشجویان دانشگاه یزد و طلاب مدارس علمیه یزد گویای رابطه مثبت دینداری با سازگاری زناشویی بود (رسولی و سلطانی‌گرد فرامرز، ۱۳۹۱، ص. ۴۲۷-۴۳۹). خدادادی سنگده (۱۳۹۶) به شناسایی عامل‌های مؤثر بر خانواده سالم پرداخت. او، با تأکید بر جایگاه دینداری در سلامت فرد و خانواده، این عامل‌های دینی



را با مصاحبه با ۱۳ والد به دست آورد: انجام واجبات دینی، بردباری، گذشت، کفویت در جهان‌بینی، توکل‌داشتن، و خیرخواهی. تقی‌زاده و جزایری (۱۳۹۴، ص. ۲۰۲) رابطه نگرش دینی را با علاقه اجتماعی زوجها مثبت و با تحریف‌های شناختی‌شان منفی به دست آوردند. به گزارش آنان نگرش دینی ممکن است موجب کاهش تحریف‌های شناختی میان‌فردی شود و از آن می‌شود برای مهار خطاهای شناختی زوجها استفاده کرد. رحمانی و همکاران (۱۳۹۹) زوج‌درمانی مسئله‌محور جنسی مبتنی بر رویکرد اسلامی را در تعهد زناشویی زوجها مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر سنندج کارآمد یافتند.

تعارض زناشویی

بسیاری از تعارض‌های زناشویی به طلاق می‌انجامند. در این بخش به پژوهش‌های مرتبط با این موضوع می‌پردازیم. ویژگی‌های زوج‌های متعارض عبارت‌اند از: عیب‌جویی، انتقاد، بدبینی و ابراز هیجان منفی. شناخت ویژگی‌ها و توانایی‌های همسران از یکدیگر راهی برای پیشگیری و حل تعارض شمرده شده است. تعارض زناشویی نوعی کشمکش بر سر تصاحب پایگاه‌ها و منابع قدرت قلمداد می‌شود و با حذف امتیازهای دیگری و افزایش امتیازهای خود بروز می‌یابد (صفائی‌راد و وارسته‌فر، ۱۳۹۲، ص. ۸۵-۱۰۶). تعارض زناشویی هنگامی رخ می‌دهد که بین زوجها تفاوت، ناسازگاری، یا عدم توافق باشد. می‌توان تعارض‌های زناشویی را حاصل اختلاف‌نظر زوجها در زمینه هدف‌های شخصی، انگیزه‌ها، ارزش‌ها، یا اولویت‌های رفتاری دانست. پژوهشی روی زنان متأهل استان سمنان نشان داد تعارض زناشویی با پایبندی دینی رابطه منفی دارد (هراتیان و همکاران، ۱۳۹۳، ص. ۴۵-۶۲). در معلمان متأهل دارای فرزند شهر قم، تعارض زناشویی با دینداری درونی رابطه منفی داشت (زارعی و همکاران، ۱۳۹۹، ص. ۸۷-۹۹). ثوابی و همکاران (۱۳۹۸) روان‌درمانی معنوی مبتنی بر بخشش و امید را بر افزایش رضایت زناشویی و کاهش تعارض‌های زوجها در معرض طلاق شهرستان مشهد کارآمد یافتند. غفوری و همکاران (۱۳۹۲) یافته مشابهی با استفاده از روان‌درمانی معنوی مبتنی بر بخشش به دست آوردند. آخوندی و همکاران (۱۳۹۹) با پژوهشی روی زنان مراجعه‌کننده به مراکز روان‌درمانی و مشاوره شهر تهران روشن کردند که بخشودگی زناشویی در زنان دارای تجربه خشونت خانگی با دل‌بستگی به خدا و راهبرد مقابله دین‌محور رابطه مثبت دارد.

در پژوهش هراتیان و همکاران (۱۳۹۹) دینداری نقش تعدیل‌کننده منفی میان روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه و تعارض زناشویی ایفا کرد؛ یعنی دینداری نه تنها نتوانست مانع رابطه منفی روان‌بنه‌ها با تعارض زناشویی شود، بلکه این رابطه را تقویت کرد. اصغرزاده و همکاران (۱۳۹۹) با روش پدیدارشناسی نشان دادند آموزه‌های دینی در افزایش آستانه تحمل



برای حل تعارض‌های زناشویی تأثیر دارد. سبک زندگی اسلامی پیش‌بینی‌کننده مهارت حل تعارض در زوجها به دست آمده است. از میان مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی مؤلفه‌های اجتماعی - خانوادگی، دفاعی - امنیتی، باورها، اخلاقی، و زمان‌شناسی نقش بیشتری در پیش‌بینی مهارت حل تعارض زوجها داشتند.

مدیریت تعارض‌های زناشویی در اسلام برپایه توحیدمحوری است. برپایه منابع اسلامی می‌توان برای حل تعارض‌های زناشویی اصولی را عرضه کرد، ازجمله: (۱) ایمان به خدا و دوست‌داشتن او، (۲) احترام متقابل برپایه باور به کرامت انسانی، و (۳) رسیدن به سکون و آرامش و افزایش مودت و رحمت در پرتو عفو. مبنای حل تعارض‌های زناشویی در مشاوره خانواده باور به نیازمندی انسان‌ها به حرمت خود است. چنین باوری به دو شیوه در حل تعارض زناشویی کارا است. نخست، فرد برپایه احترامی که برای همسرش قائل است، رفتار ناشایست بروز نمی‌دهد و تعارض تشدید نمی‌شود. دوم، در پرتو رفتار محترمانه حرمت خود همسر ارتقا می‌یابد. افزایش حرمت خود همسر در بهبود تعامل با همسر و به دنبال آن، در موقعیت‌های تعارضی تأثیر می‌گذارد. ایمان به خدا، باور به کرامت انسانی و حاکم‌شدن آرامش در زندگی و افزایش مهر و دوستی مبنای مدیریت رفع اختلاف‌های زناشویی‌اند. الگوی اسلامی برای مدیریت تعارض زناشویی شامل بهترین واکنش در برابر رفتار ناشایست همسر یعنی عفو است. کارکرد عفو ایجاد مهر و محبت واقعی است. ایمان به خدا، خوش‌بینی، و باور به کرامت انسانی همسر تقویت‌کننده‌های فرد در جهت اعمال چنین واکنشی‌اند. اسلام تلقی مثبت از مشکلات و درنظرداشتن بعد گذرای تعارض با همسر را آموزش می‌دهد. آنچه موجب رعایت الگوهای نامبرده از سوی همسران می‌شود ایمان به خدا است. در برابر بدی همسر سازش و واکنش برتر توصیه شده است، زیرا عفو خوشبختی زندگی و سعادت اخروی را به دنبال دارد (فاتحی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵، ص: ۶۷-۹۱).

طلاق عاطفی

فرایند طلاق در بیشتر موارد این مسیر را طی می‌کند: اختلافات جزئی، تکرار اختلافات جزئی و جدی‌شدنشان، جدایی یا بی‌میلی یکی از همسران به طرف مقابل، قهرهای طولانی و تکرار آن، خستگی همسران از درگیری‌ها و قهرها، طلاق عاطفی، و طلاق قانونی (باستانی و همکاران، ۱۳۹۰، ص: ۲۴۱-۲۵۷). مثلاً طلاق عاطفی همبستگی‌های نسبتاً نیرومندی با میل به طلاق و بی‌ثباتی ازدواج در مردان و زنان عادی و متقاضی طلاق استان بوشهر داشته است (محمدی و همکاران، ۱۳۹۶، ص: ۸۳-۱۰۵). ابراهیمی و بنی‌فاطمه (۱۳۹۱) در پژوهش روی زنان شهرستان نقده نشان دادند که طلاق عاطفی با دینداری رابطه منفی



دارد. دینداری درونی با طلاق عاطفی زنان مراجعه‌کننده به مراکز روان‌شناختی اهواز رابطه منفی و دینداری برونی با طلاق عاطفی آنان رابطه مثبت داشت (فوجی و نادری، ۱۳۹۵، ص. ۲۳-۳۶). طلاق عاطفی با هوش معنوی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی شهر گنبد رابطه منفی ضعیف داشت (شیخ‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۷، ص. ۴۸-۵۶). در زنان مراجعه‌کننده به مراکز روان‌شناختی شهر اهواز رابطه هوش معنوی با طلاق عاطفی و نگرش به رابطه فرازناشویی منفی و متوسط به دست آمد (سمالپور بابااحمدی، حیدری، و مکوندی، ۱۴۰۰، ص. ۱۷۲). رابطه سلامت معنوی با طلاق عاطفی در گروهی از ساکنان شهر بوشهر منفی به دست آمد (کریمی پورزارع و همکاران، ۱۳۹۶، ص. ۹۳-۱۱۲). آموزش سبک زندگی ایرانی - اسلامی (مثلاً درباره الگوهای پوشش اسلامی، الگوهای اسلامی برای روابط شخصی، و آموزش روایت‌های اسلامی درباره حفاظت از بدن) به همسران دارای مشکلات زناشویی مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهرستان بابل در کاهش طلاق عاطفی آنان کارآمد بود (بی‌آزاری کاری، ۱۴۰۰، ص. ۱۸۵-۱۹۳). مرادی و همکاران (۱۳۹۹) آموزش هیجان‌مدار با رویکرد اسلامی را در کاهش طلاق عاطفی و سردمزاجی زنان شهر اصفهان کارآمد یافتند.

ناپایداری ازدواج



سال اول/ شماره ۲
پاییز و زمستان ۱۴۰۳

دینداری از طریق رضایت زناشویی (به‌صورت مثبت) و ناپایداری ادراک‌شده زناشویی (به‌صورت منفی) احتمال طلاق را می‌کاهد (Tuttle & Davis, 2015, pp. 475-489). بابایی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی در شهر همدان نشان دادند انسجام خانوادگی با دینداری رابطه مثبت دارد. انسجام خانوادگی عبارت است از احساس همبستگی، پیوند، و تعهد عاطفی اعضای خانواده به هم. رابطه هوش معنوی با ناپایداری ازدواج در میان زن‌مهدهای کودک منطقه ۳ تهران منفی و متوسط به دست آمد (نیکنام و تاج، ۱۳۹۸، ص. ۹-۲۸). خالدی و همکاران (۱۳۹۳)، به‌منظور تعیین عامل‌های منجرشونده به پایداری رابطه زناشویی و استحکام خانواده، پژوهشی روی گروهی از افراد متأهل ساکن شهر تهران انجام دادند که دارای عامل‌های خطر بودند. در این پژوهش نشان داده شد که یکی از عامل‌های حفاظت‌کننده در این افراد دین بود (شامل توکل به خدا، باور به خدا، و انجام فرایض دینی). پژوهش روی ۷۲۰ فرد متأهل ۱۵ تا ۲۹ ساله ساکن شهر تهران نشان داد نیمی از آنان طلاق را راه‌حلی برای مشکلات زناشویی می‌شمارند و یک‌پنجم آنان گرایش بالایی به طلاق گرفتن دارند. گرایش به طلاق در این پژوهش با دینداری رابطه منفی داشت (Sadeghi & Agajanian, 2019, pp. 479-500).

متقاضیان طلاق

ازدواج‌های بین‌مذهبی بیشتر در معرض طلاق‌اند. مثلاً پژوهش در هلند روی حدود یک‌میلیون ازدواج در فاصله سال‌های ۱۹۷۴ و ۱۹۸۴ این مطلب را درباره ازدواج‌های پروتستان - کاتولیک و کلیمی - غیرکلیمی تأیید کرد. این اثر ناهمگونی در ازدواج‌های شامل پروتستان‌ها یا افراد بی‌دین ضعیف‌تر بود (Kalmijn et al., 2005, pp. 71-85). زنان خواهان طلاق در مقایسه با زنان غیرخواهان طلاق شهرستان کاشان تصویر منفی‌تری از خدا داشتند (فیض‌آبادی و خسروی، ۱۳۸۸، ص. ۳۷). هم در افراد متقاضی طلاق و هم زوج‌های غیرمتقاضی طلاق شهر اصفهان نگرش دینی می‌تواند سبک زندگی را پیش‌بینی کند؛ یعنی صرف‌نظر از تجربه طلاق، نگرش دینی از عامل‌های مرتبط با سبک زندگی است (خالقی دهنوی و یزدخواستی، ۱۳۹۳، ص. ۹۹-۱۱۰). مقایسه زوج‌های در آستانه طلاق و عادی استان گیلان نشان داد که گروه اول در گذشت و دینداری نمره‌های پایین‌تری به دست آوردند (موسوی و دیگران، ۱۳۹۷، ص. ۴۱-۵۴). Lee et al. (۲۰۱۸) در پژوهش طولی روی پرستاران مؤنث آمریکایی، نشان دادند حضور مکرر در تشریفات دینی با احتمال پایین‌تر طلاق گرفتن در میان‌سالی و کهنسالی همراه است. نقش دینداری در پایداری ازدواج با توجه به نژاد و جنسیت متغیر است. مثلاً در مقایسه زنان و مردان سیاه‌پوست و سفیدپوست این تأثیر در زنان سفیدپوست چشمگیرتر بود (Brown et al., 2008, pp. 186-197). رادمهر و شمس (۱۳۹۷) با مقایسه گروهی از افراد متقاضی و غیرمتقاضی طلاق در منطقه جنوب شهر تهران نشان دادند تعهد دینی میزان ناپایداری ازدواج را می‌کاهد.

راهکارهای پیشگیری از طلاق در قرآن کریم

توصیه‌های زیادی در زمینه خانواده در قرآن کریم و روایات اسلامی وجود دارند که از مهم‌ترین آنها درباره همسر انعطاف‌پذیری، تکبرنورزیدن، رفتار مسئولانه، رازداری، قدردانی، آراستگی، خوشرویی، مهار خشم، گفتار نیکو، و وقت‌گذرانی مشترک است (حیرت و همکاران، ۱۳۹۴، ص. ۲۱۳). یوسفی‌مقدم و دین‌پرست سرخ‌آبی (۱۴۰۰) با تکیه بر قرآن کریم راهکارهایی را برای پیشگیری از طلاق عاطفی برشمرده‌اند، از جمله: رعایت کفوبودن همسران پیش از ازدواج، رعایت تقوا، رعایت حقوق همسران، صله رحم و روابط مستحکم خانوادگی، و رجوع به مشاور در زمان مناسب. حکیم و زاهدی‌فر (۱۳۸۹)، با مراجعه به قرآن کریم، نه علت طلاق را به این شرح می‌دانند: بی‌توجهی یا کم‌توجهی به نیاز جنسی همسر، کفونبودن، ضعف و فقدان باورها، نداشتن درک متقابل، اختلال‌های اخلاقی و رفتاری، اضطراب‌های موردی، بی‌علاقگی، وجود همسر دیگر، و تهمت‌های ناروا.



نتیجه‌گیری

در ایران نگرش به خانواده مثبت است، آن را بهترین جا برای زندگی افراد می‌دانند، و تدابیری در جهت پایداری آن می‌اندیشند. طلاق به کارکرد خانواده صدمه می‌زند. مشکلات اجتماعی و اقتصادی ناشی از آن مانع ارضای بسیاری از نیازهای فرزندان می‌شود و ممکن است فرایند اجتماعی شدن و فرهنگ‌پذیری را مختل کند. نگرش عمده جامعه به طلاق منفی است. باین‌حال، طلاق رخ می‌دهد و نه فقط همسران را با پیامدهای مرتبط با آن مواجه می‌کند، که فرزندان و سایر اعضای خانواده‌های زوج را با پیامدهای مخرب آن روبه‌رو می‌کند. به دلیل اهمیت اجتماعی و فردی طلاق و به دلیل افزایش آن در دهه‌های اخیر، ابعاد مختلف این پدیده موضوع پژوهش‌های رشته‌های مختلف شده است (آقابائی، ۱۴۰۲، ص. ۱۱). در این مقاله پژوهش‌های مربوط به نقش پیشگیرانه دین و معنویت از طلاق مرور و دسته‌بندی شدند.

طلاق معلول بی‌کیفیت بودن زندگی‌هایی است که همسران گرفتارشان هستند. باید به فکر زوج‌هایی بود که زندگی‌شان کیفیت چندانی ندارد تا نه فقط از افزایش طلاق پیشگیری کرد، بلکه به بهبود روابط در خانواده‌ها کمک شود. از این‌رو، توجه به زندگی‌هایی که در معرض طلاق اند یا در حال نزدیک شدن به شرایط طلاق اند، لازم است. در جست‌وجوی پژوهش‌های مرتبط با پایداری ازدواج، که مستقیم یا غیرمستقیم با پیشگیری از طلاق مرتبط‌اند، می‌شود به مفهوم‌سازی‌هایی اشاره کرد، از جمله: رضایت زناشویی، سازگاری زناشویی، تعارض زناشویی، طلاق عاطفی، ناپایداری ازدواج، و طلاق. متغیرهای مرتبط با پایداری ازدواج، در قالب ارتباط با یکی از این مفاهیم را می‌توان در چند دسته جای داد: (۱) اشتراک دینی (شامل تجربه‌های معنوی مشترک، همسوبودن دینی و باوری با همسر، و تشابه دینی)، (۲) ارتباط با خدا (شامل تکیه به خدا، داشتن رابطه خوب با خدا، دلیستگی به خدا، توکل به خدا، باور به خدا، و تصویر مثبت‌تر از خدا)، (۳) تعهد دینی (شامل انجام مناسک/ واجبات/ فرائض دینی، دینداری عمومی، نگرش دینی، و سبک زندگی اسلامی)، (۴) معنویت (آسایش معنوی، هوش معنوی، و سلامت معنوی)، و (۵) دینداری به مثابه هدف و راهبرد (استفاده از راهبردهای دینی هنگام سختی، راهبرد مقابله دین‌محور، و دینداری درونی). ضمناً مداخله‌های مبتنی بر دینداری و معنویت که در پایداری ازدواج و پیشگیری از طلاق موثر بودند عبارت‌اند از: واقعیت درمانی ایرانی اسلامی، آموزش تحلیل ارتباط محاوره‌ای مذهب‌محور، زوج‌درمانی مسئله‌محور جنسی مبتنی بر رویکرد اسلامی، روان‌درمانی معنوی مبتنی بر بخشش و امید، آموزش سبک زندگی ایرانی - اسلامی و آموزش هیجان‌مدار با رویکرد اسلامی (جدول ۱).



جدول ۱- متغیرها و موضوع‌های دینی/ معنوی مرتبط با پایداری ازدواج

مقوله	زیرمجموعه
اشتراک دینی	شامل تجربه‌های معنوی مشترک، همسوبودن دینی و باوری با همسر، و تشابه دینی
ارتباط با خدا	شامل تکیه به خدا، داشتن رابطه خوب با خدا، دلبستگی به خدا، توکل به خدا، باور به خدا، و تصویر مثبت خدا
تعهد دینی	شامل انجام مناسک/ واجبات/ فرایض دینی، دینداری عمومی، نگرش دینی، و سبک زندگی اسلامی
معنویت	شامل آسایش معنوی، هوش معنوی، و سلامت معنوی
دینداری به‌مثابه هدف و راهبرد	شامل استفاده از راهبردهای دینی هنگام سختی، راهبرد مقابله دین‌محور، و دینداری درونی
مداخله‌های مبتنی بر دین و معنویت	شامل واقعیت‌درمانی ایرانی اسلامی، آموزش تحلیل ارتباط محاوره‌ای مذهب‌محور، زوج‌درمانی مسئله‌محور جنسی مبتنی بر رویکرد اسلامی، روان‌درمانی معنوی مبتنی بر بخشش و امید، آموزش سبک زندگی ایرانی - اسلامی و آموزش هیجان‌مدار با رویکرد اسلامی



سال اول/ شماره ۲
پاییز و زمستان ۱۴۰۳

درباره این یافته‌ها می‌شود گفت که همسانی در جهان‌بینی و باورهای دینی مشترک میان زن و شوهر در رشد روابط زناشویی و خانوادگی پایه محکمی ایجاد می‌کند، با پرداختن به فعالیت‌های مشترک نزدیکی و صمیمیت روان‌شناختی و معنوی زوج را تقویت می‌کند، منبع حمایتی نیرومندی برای رویارویی با مشکلات زندگی محسوب می‌شود، و به افراد کمک می‌کند تا به جنبه‌های مثبت هم توجه کنند، یکدیگر را تشویق کنند، و به هم احترام بگذارند. دین و سنت، در جامعه ایران، طلاق را ترغیب نمی‌کنند اما طلاق همواره یک پیامد احتمالی ازدواج در نظر گرفته می‌شود. برای قرون متمادی، طلاق و مسائل مربوط به آن در قلمرو دین و سنت بودند. آموزه‌های دینی و اسلامی طلاق را شدیداً رد و تداوم ازدواج را ترغیب می‌کنند. بنابراین، انتظار می‌رود زوج‌هایی که به آموزه‌های اسلامی پایبندتر و به‌طور کلی متدین‌تر باشند، کمتر مستعد طلاق باشند (Aghajanian & Moghadas, 1998, pp. 53-71). دینداری موجب تقویت زندگی خانوادگی می‌شود، احساس صمیمیت و نزدیکی

بیشتری را برای افراد به ارمغان می‌آورد، و از راه تأکید و تشویق بر روابط سالم در سلامت خانواده نقش دارد، به‌گونه‌ای که گرایش به عامل‌های تهدیدکننده سلامت خانواده در افراد متدین کمتر است. افراد دارای باورهای دینی به پیام‌های دینی پرهیز از رفتارهای آسیب‌زا و انجام رفتارهای تقویت‌کننده استحکام خانواده بیشتر توجه می‌کنند. باورها و رفتارهای دینی در چگونگی روابط خانوادگی نقش دارند و مانند تعدیل‌کننده عمل می‌کنند. این عامل هنگام بروز تعارض‌ها در روابط از طریق ارزش‌ها و مفهوم‌های معنوی مشترک اختلاف‌نظر میان زوجها را تعدیل می‌کند و مانع بروز واکنش‌های تند و آسیب‌زا می‌شود. زندگی خانوادگی جایگاه مقدس و امنی است که مراقبت و حمایت لازم را برای اعضا فراهم می‌کند (آقابائی، ۱۴۰۲، ص. ۸۴).

نهاد دین ظرفیت آن را دارد تا به پایداری ازدواج کمک کند. مثلاً مسجد با ظرفیت‌ها و توسعه کارکردهای خود زمینه ایجاد آگاهی‌های اولیه را برای پیشگیری از بروز منازعات و برنامه‌ریزی در برخی مداخله‌های پیش از ازدواج فراهم کرده، مهارت‌های مسئله‌گشایی را به زوجها آموزش داده، و در صورت بروز ناسازگاری‌ها با عرضه مشاوره‌های تخصصی تحمل آنان را بالا برده و به حل اختلافاتشان کمک می‌کند (حسامی و غلامی، ۱۴۰۰، ص. ۱۲۰-۱۴۶). باید توجه داشت که دین، دینداری، و معنویت با همه مزیت‌ها و امکاناتی که برای زندگی زناشویی پایدار در اختیار جامعه مؤمنان قرار می‌دهند، فقط بخشی از عامل‌های مؤثر در پیشگیری از طلاق‌اند. این مقاله درصدد مبالغه درباره سهم دین و معنویت در پیشگیری از طلاق یا نادیده‌انگاشتن نقش سایر متغیرها نیست، بلکه درصدد جلب توجه پژوهشگران، مشاوران، درمانگران، و عموم شهروندان به یک عامل فرهنگی سهیم در زندگی زناشویی است بی‌آنکه سایر عامل‌های فرهنگی و غیر فرهنگی سهیم در خوشبختی زناشویی را انکار کند. پژوهش‌های زیادی درباره سایر عامل‌های دخیل در زندگی انجام شده‌اند که مرور روایی و نظام‌مند آنها نیز برای علاقه‌مندان این قلمرو از زندگی اجتماعی مفید خواهد بود.



فهرست منابع

- ابراهیمی، س. و بنی‌فاطمه، ح. (۱۳۹۱). طلاق عاطفی و عوامل مرتبط با آن در شهرستان نقده. *مطالعات جامعه‌شناسی*، ۵ (۱۷)، ۷-۲۲.
- اصغرزاده، ا؛ میرزاده، م. و پژوهان‌فر، م. (۱۳۹۹). تبیین افزایش آستانه تحمل در جهت حل تعارضات زناشویی با نقش تعدیل‌گری آموزه‌های دینی (مطالعه موردی در یک یگان نظامی). *علوم مراقبتی نظامی*، ۷ (۲)، ۱۳۸-۱۴۷.
- آخوندی، م؛ مرادی‌نسب، م؛ بلورساز مشهدی، ه؛ احسان‌پور، ف. و پورآقایی، س. (۱۳۹۹). پیش‌بینی بخشودگی زناشویی براساس تنظیم هیجان، دلبستگی به خدا و راهبرد مقابله دین‌محور در زنان دارای تجربه خشونت خانوادگی. *پژوهش در دین و سلامت*، ۶ (۲)، ۱۱۵-۱۲۸.
- آقابائی، ن. (۱۴۰۲). طلاق در آینه پژوهش‌های روان‌شناختی. پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- بابایی، ن؛ بلالی، ا؛ نقدی، ا. و کریمی، ا. (۱۳۹۴). تأثیر میزان دینداری بر انسجام خانوادگی در شهر همدان. *توسعه اجتماعی*، ۹ (۴)، ۷-۲۶.
- باستانی، س؛ گلزاری، م. و روشنی، ش. (۱۳۹۰). پیامدهای طلاق عاطفی و استراتژی‌های مواجهه با آن. *خانواده‌پژوهی*، ۷ (۲)، ۲۴۱-۲۵۷.
- بهاری، ف؛ فاتحی‌زاده، م؛ احمدی، ا؛ مولوی، ح. و بهرامی، ف. (۱۳۹۰). تأثیر آموزش مهارت‌های ارتباط همسران بر کاهش تعارض‌های زناشویی زوج‌های متعارض متقاضی طلاق. *پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره*، ۱ (۱)، ۵۹-۷۰.
- بی‌آزاری کاری، ف. (۱۴۰۰). تأثیر آموزش سبک زندگی ایرانی - اسلامی بر طلاق عاطفی و سلامت معنوی در زوجین دارای مشکلات زناشویی. *سبک زندگی/اسلامی با محوریت سلامت*، ۵ (۲)، ۱۸۵-۱۹۳.
- تقی‌زاده، ن. و جزایری، ر. (۱۳۹۴). بررسی رابطه نگرش مذهبی با تحریفات شناختی و علاقه اجتماعی زوجین شهر اصفهان. *چکیده مقالات سومین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی*. دبیرخانه کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی.
- ثوابی، م؛ صفاریان طوسی، م. ر. و خوی‌نژاد، غ. ر. (۱۳۹۹). اثربخشی روان‌درمانی معنوی مبتنی بر بخشش و امید بر افزایش رضایت‌مندی زناشویی و کاهش تعارضات زوجین در معرض طلاق. *پژوهش‌های انتظامی - اجتماعی زنان و خانواده*، ۸ (۱)، ۵-۲۳.



- حاتمی ورزنه، ا؛ اسمعیلی، م؛ فرحبخش، ک. و برجعلی، ا. (۱۳۹۵). ارائه الگوی ازدواج پایدار رضایتمند: یک پژوهش گراند تئوری. مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۶(۱)، ۱۲۰-۱۴۹.
- حسامی، ف. و غلامی، م. (۱۴۰۰). مسجد و پیشگیری از طلاق و کاهش آسیب‌های اجتماعی ناشی از آن. اسلام و مطالعات اجتماعی، ۸(۴)، ۱۲۰-۱۴۶.
- حکیم، م. و زاهدی‌فر، ب. (۱۳۸۹). علل طلاق و راهبردهای کاهش آن از دیدگاه قرآن. مطالعات راهبردی زنان، ۴۹(۴)، ۲۹۳-۳۴۸.
- حمید، ن. و دهقانی، م. (۱۳۹۱). بررسی اثربخشی آموزش تحلیل ارتباط محاوره‌ای (TA) مذهب‌محور بر میزان عشق و علاقه، احترام به همسر و رضایت زناشویی. روان‌شناسی و دین، ۴(۴)، ۲۳-۴۰.
- حیرت، ع؛ فاتحی‌زاده، م؛ احمدی، ا؛ بهرامی، ف. و اعتمادی، ع. (۱۳۹۴). مدل رابطه رفتاری زوجین با رویکرد اسلامی. چکیده مقالات سومین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی. دبیرخانه کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی.
- خالدی، ش؛ موتابی، ف؛ پورابراهیم، ت. و باقریان، ف. (۱۳۹۳). عوامل حفاظت‌کننده ازدواج در افراد متأهل دارای عوامل خطر. خانواده‌پژوهی، ۱۰(۱)، ۳۱-۴۵.
- خالقی دهنوی، ف. و یزدخواستی، ف. (۱۳۹۳). پیش‌بینی‌کنندگی سبک زندگی براساس نگرش مذهبی و تعهد اخلاقی در افراد دارای تجربه طلاق و افراد بدون تجربه طلاق. روان‌شناسی و دین، ۷(۲)، ۹۹-۱۱۰.
- خدادادی سنگده، ج. (۱۳۹۶). مطالعه کیفی عوامل مذهبی مؤثر در شکل‌گیری خانواده سالم براساس بافت فرهنگی - اجتماعی. روان‌شناسی فرهنگی، ۱۱(۱)، ۸۷-۱۰۰.
- رادمهر، ح. و شمس، ج. (۱۳۹۷). مقایسه ارتباط تعهد مذهبی با میزان پایداری ازدواج در دو گروه از زوجین متقاضی طلاق و عادی شهر تهران. پژوهش در دین و سلامت، ۴(۵)، ۷۷-۸۶.
- رحمانی، ش؛ گودرزی، م. و آراسته، م. (۱۳۹۹). مقایسه اثربخشی زوج‌درمانی مسئله‌محور جنسی مبتنی بر رویکرد اسلامی و زوج‌درمانی تلفیقی فراشناختی - فراهیجانی بر تعهد زناشویی. فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۴۲(۴)، ۱۷۳-۲۰۴.
- رسولی، ر. و سلطانی‌گرد فرامرز، س. (۱۳۹۱). مقایسه و بررسی رابطه جهت‌گیری مذهبی و عمل به باورهای دینی با سازگاری زناشویی در طلاب و دانشجویان. خانواده‌پژوهی، ۳۲(۳)، ۴۲۷-۴۳۹.



- رضاپور میرصالح، ی؛ اسمعیلی، م؛ فرحبخش، ک. و ذکایی، م. س. (۱۳۹۲). اثربخشی آموزه‌های مبتنی بر ارزش‌شناسی اسلامی در افزایش رضایت زناشویی زنان متأهل. *روان‌شناسی و دین*، (۱۰)، ۷۱-۸۲.
- زارعی، م؛ نظری، ع. م. و زهراکار، ک. (۱۳۹۹). بررسی رابطه بخشش و جهت‌گیری مذهبی با تعارض زناشویی. *پژوهش در دین و سلامت*، ۶(۲)، ۸۷-۹۹.
- سالاری‌فر، م. ر. (۱۳۸۵). *خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی*. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. شمالپور بابااحمدی، م؛ حیدری، ع؛ عسکری، پ. و مکوندی، ب. (۱۴۰۰). مدلیابی رابطه بین هوش معنوی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه با طلاق عاطفی با نقش میانجی نگرش به روابط فرازناشویی در زنان مراجعه‌کننده به مراکز روان‌شناختی اهواز. *مطالعات ناتوانی*، (۱۱)، ۱۷۲.
- سودانی، م؛ کریمی، س. و شیرالی‌نیا، خ. (۱۳۹۵). اثربخشی مشاوره با تأکید بر نظریه انتخاب در کاهش طلاق عاطفی زوجین. *روان‌شناسی خانواده*، ۳(۲)، ۸۳-۹۲.
- سیفی، ی. و تقوی، م. ر. (۱۳۹۷). رابطه بهزیستی معنوی با رضایت زناشویی: نقش واسطه‌گری سرسختی روان‌شناختی. *روان‌شناسی معاصر*، ۱۴(۱)، ۳۱-۴۱.
- شیخ‌نژاد، ح؛ صائمی، ح. و اکبری داغی، ح. (۱۳۹۷). رابطه سبک‌های هویت و هوش معنوی با طلاق عاطفی در دانشجویان متأهل. *سلامت و مراقبت*، ۲۰(۱)، ۴۸-۵۶.
- صفائی‌راد، س. و وارسته‌فر، ا. (۱۳۹۲). رابطه بین تعارض‌های زناشویی با طلاق عاطفی زنان مراجعه‌کننده به دادگاه‌های شرق تهران سال ۱۳۹۰. *پژوهش اجتماعی*، (۲۰)، ۸۵-۱۰۶.
- طلوع تکمیلی ترابی، ن؛ وکیلی، پ. و فتاحی‌اندبیل، ا. (۱۳۹۹). رابطه صفات شخصیت و رضایت زناشویی براساس نقش میانجی‌گر جهت‌گیری مذهبی. *روان‌شناسی کاربردی*، (۱۱)، ۹۹-۱۱۸.
- عزیزی، ا؛ اسماعیلی، ر؛ دهقان منشادی، م. و اسماعیلی، س. (۱۳۹۵). اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی بر رضایت زناشویی زوجین متقاضی طلاق. *نشریه پرستاری ایران*، (۹۹-۱۰۰)، ۲۲-۳۳.
- غفوری، س؛ مشهدی، ع. و حسن‌آبادی، ح. (۱۳۹۲). اثربخشی روان‌درمانی معنوی مبتنی بر بخشودگی در افزایش رضایتمندی زناشویی و کاهش تعارضات زوجین شهر مشهد. *اصول بهداشت روانی*، (۱)، ۴۵-۵۷.
- فاتحی‌زاده، م؛ بارباز اصفهانی، ن. و پرچم، ا. (۱۳۹۵). مدیریت تعارض‌های زناشویی با



رویکرد حل مسأله از منظر مشاوره‌ی خانواده و اسلام. *مطالعات راهبردی زنان*، (۷۴)، ۶۷-۹۱. فاضلی، ع. ر.؛ مهدی‌زاده، ح. و تبیک، م. ت. (۱۳۹۳). *اولویت‌های پژوهشی مناسبات دین و روان‌شناسی*. معاونت پژوهش حوزه علمی قم.

فتحی، ا.؛ اسمعیلی، م.؛ فرحبخش، ک. و دانش‌پور، م. (۱۳۹۵). ارائه مدل ازدواج رضایتمند در فرهنگ ایرانی: مطالعه نظریه داده بنیاد. *پژوهش در سلامت روان‌شناختی*، ۱۰ (۲)، ۱۰-۲۶. فلاحتی‌سرشت، ش.؛ یزدانبخش، ک. و فداکار گبلو، پ. (۱۴۰۰). تبیین نگرش والدین نسبت به فرزند معلول براساس باور مذهبی و حمایت اجتماعی: میانجی‌گری رضایت زناشویی. *مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی*، ۶ (۱)، ۵۳-۷۲.

فوجی، ع. و نادری، ف. (۱۳۹۵). رابطه مهارت‌های اجتماعی و اعتقادات مذهبی با طلاق عاطفی در مراجعین زن به مراکز روان‌شناختی شهر اهواز. *زن و فرهنگ*، (۲۷)، ۲۳-۳۶.

فیض‌آبادی، س. و خسروی، ز. (۱۳۸۸). سبک دلبستگی و تصور از خدا در میان زنان خواهان طلاق و غیرخواهان طلاق شهرستان کاشان. *اندیشه‌های نوین تربیتی*، ۵ (۳)، ۳۷-۵۴. کرایبی، ا.؛ خجسته‌مهر، ر.؛ سودانی، م. و اصلانی، خ. (۱۳۹۵). شناسایی عوامل مؤثر در

ازدواج‌های پایدار رضایتمند در زنان. *مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۶ (۲)، ۱۲۹-۱۶۴. کریمی پورزارع، ف.؛ جوکار کمال‌آبادی، م. و حسینی، ف. (۱۳۹۶). پیش‌بینی طلاق عاطفی براساس هوش هیجانی و سلامت معنوی در افراد متأهل شهر بوشهر. *پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده*، (۹)، ۹۳-۱۱۲.

کریمی ثانی، پ.؛ احیائی، ک.؛ اسماعیلی، م. و فلسفی‌نژاد، م. (۱۳۹۲). عوامل تعیین‌کننده موفقیت ازدواج: یک مطالعه کیفی. *پژوهش‌های مشاوره*، (۴۵)، ۷۵-۹۳.

محمودی، ف.؛ جوکار کمال‌آبادی، م. و گلستانه، م. (۱۳۹۶). ساخت، تحلیل عاملی و هنجاریابی آزمون طلاق عاطفی. *فصلنامه فرهنگی - تربیتی زنان و خانواده*، (۳۹)، ۸۳-۱۰۵. مرادی، ا.؛ تبریزی، م.؛ کرمی، ا. و عظیم‌زاده بالانچی، ن. (۱۳۹۹). اثربخشی آموزش هیجان‌مدار بر طلاق عاطفی و سردمزاجی زنان شهر اصفهان با رویکرد اسلامی. *قرآن و طب*، (۲)، ۱۶۵-۱۷۴.

مریدی، ح.؛ کجباف، م. ب. و محمودی، آ. (۱۳۹۹). اثربخشی واقعیت‌درمانی ایرانی اسلامی بر رضایت زناشویی، رضایت از زندگی و مهارت‌های ارتباطی زوجین شهر شیراز. *دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی*، ۲۱ (۲)، ۱۳-۲۱.

موسوی، و.؛ رضائی، س.؛ قربان‌پور لفجمانی، ا. و احمدیان، ط. (۱۳۹۷). مقایسه بخشایشگری



و پایبندی مذهبی در زوج‌های در آستانه طلاق و زوج‌های عادی. پژوهش‌نامه روان‌شناسی مثبت، (۱۴)، ۵۴-۴۱.

نعمتی سوگلی‌تپه، ف؛ محمدی‌فر، م. ع. و خالدیان، م. (۱۳۹۶). تأثیر درمان شناختی - رفتاری بر تعارض زناشویی و سازگاری زناشویی افراد معتاد. اعتیادپژوهی، (۴۳)، ۳۰-۱۱. نیکنام، م. و تاج، ط. (۱۳۹۸). پیش‌بینی ناپایداری ازدواج براساس متغیرهای هوش هیجانی و هوش معنوی در یک جمعیت غیربالینی از زنان. مطالعات زن و خانواده، (۱)۷، ۲۸-۹. هراتیان، ع. ع؛ جان‌بزرگی، م؛ آگاه‌هریس، م؛ موتابی، ف. و صفورایی پاریزی، م. م. (۱۳۹۹). رابطه روان‌بندهای ناسازگار اولیه و باورهای غیرمنطقی با تعارض زناشویی، نقش تعدیل‌کننده دینداری. زنان و خانواده، (۵۱)، ۹۱-۱۱۵.

هراتیان، ع. ع؛ جان‌بزرگی، م. و آگاه‌هریس، م. (۱۳۹۳). نقش روان‌بندهای ناسازگار اولیه و دینداری، در پیش‌بینی تعارض زناشویی زنان متأهل. پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده، (۴)۲، ۶۲-۴۵.

یوسفی‌مقدم، م. ص. و دین‌پرست سرخ‌آبی، ل. (۱۴۰۰). طلاق عاطفی و راهکارهای قرآنی پیشگیری از آن. علوم قرآنی و حدیث، (۲)۳، ۷۷-۱۰۶.



Aghajanian, A. & Moghadas, A. A. (1998). Correlates and consequences of divorce in an Iranian city. *Journal of Divorce & Remarriage*, 28(3-4), 53-71.

Akhter, Sh., Pauyo, T., & Khan, M. (2019). What is the difference between a systematic review and a meta-analysis?. In Volker Musahl et al. (Eds.). *Basic methods handbook for clinical orthopaedic research: A practical guide and case based research approach*, (pp. 331-342). Springer.

Brown, E., Orbuch, T. L., & Bauermeister, J. A. (2008). Religiosity and marital stability among Black American and White American couples. *Family Relations*, (57), 186-197.

Kalmijn, M., de Graaf, P. M., Janssen, J. P. G. (2005). Intermarriage and the risk of divorce in the Netherlands: The effects of differences in

religion and in nationality, 1974-94. *Population Studies*, 59(1), 71-85.

Li, Sh., Kubzansky, L. D., & Vander Weele, T. J. (2018). Religious service attendance, divorce, and remarriage among U.S. nurses in mid and late life. *PLOS ONE*, 13(12), e0207778.

Sadeghi, R., & Agadjanian, V. (2019). Attitude and propensity to divorce in Iran: Structural and ideational determinants. *Journal of Divorce & Remarriage*, 60(6), 479-500.

Tuttle, J. D. & Davis, Sh. N. (2015). Religion, infidelity, and divorce: Reexamining the effect of religious behavior on divorce among long-married couples. *Journal of Divorce & Remarriage*, 56(6), 475-489.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



سال اول / شماره ۲
پاییز و زمستان ۱۴۰۳